

بررسی پایایی و روایی مقیاس لذت اسنیت- همیلتون در دانشجویان Investigation of the reliability and validity of Snaith-Hamilton Pleasure Scale in University students

Fatemeh Ebrahimi *
MSc Clinical Psychology,
University of Tehran
moonlight.ebrahimi@yahoo.com

فاطمه ابراهیمی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران

Hadi Farahmand
MSc Clinical Psychology,
University of Tehran

هادی فرهمند

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران

Elahe Jafari
Bachelor's Degree, University of
Punjab Abad

الهه جعفری

کارشناس، دانشگاه پیام نور نجف آباد

Abstract

The purpose of this study was to investigate the reliability and validity of the Snaith-Hamilton Pleasure Scale (SHAPS) in university students. The statistical population of this study were all students of University of Isfahan among whom 294 students were selected through random multistage sampling as the sample of the study. Cronbach's Alpha and split-half coefficients were used for computing the reliability of SHAPS. Also, Oxford Happiness Questionnaire (OHQ) and Beck Depression Inventory (BDI) were used to calculate the concurrent validity of SHAPS. The results showed that SHAPS has an appropriate reliability. Significant correlations between SHAPS with OHQ and BDI, confirmed the concurrent validity of the scale ($P < 0/01$). Also, the results of confirmatory factor analysis, confirmed factor validity of SHAPS. Based of the results of this

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی پایایی و روایی مقیاس لذت اسنیت- همیلتون (SHAPS)، در دانشجویان بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان تشکیل می دادند که از میان آن ها تعداد ۲۹۴ نفر به روش تصادفی چندمرحله ای به عنوان نمونه ی پژوهش، انتخاب شدند. جهت بررسی پایایی SHAPS از ضرایب آلفای کرونباخ و دو نیمه سازی استفاده شد و روایی همزمان این ابزار با استفاده از پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد (OHQ) و پرسشنامه ی افسردگی بک (BDI) مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که SHAPS از پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضرایب همبستگی معنادار این ابزار با OHQ و BDI روایی همزمان این ابزار را تأیید کرد ($P < 0/05$). همچنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی، نشانگر تأیید روایی عاملی این ابزار بود. بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، SHAPS یک ابزار

study, SHAPS is a reliable, and valid instrument to assess pleasure in population university students.

معتبر و پایا جهت سنجش لذت در جمعیت دانشجویان است.

Keywords: Snaith-Hamilton Pleasure Scale, reliability, reliability

کلیدواژه ها: مقیاس لذت اسنیت- همیلتون، پایایی، روایی

مقدمه

تاریخچه ی نظریه پردازی در زمینه ی هیجانات مثبت، قدمتی دوهزارساله دارد و ریشه های اولیه ی آن را می توان در نظریات فلاسفه ی یونان باستان جستجو کرد (ویترس^۱، ۲۰۰۹). از آن دوران تا پیش از شکل گیری رسمی علم روانشناسی در اواخر قرن نوزدهم، همواره هیجان لذت، بیش از سایر هیجانات مثبت، مورد تأکید و توجه نظریه پردازان مختلف قرار داشته است. حتی در بسیاری از نظریات، سایر هیجانات مثبت مانند شادی نیز تحت عنوان هیجان لذت، مورد مفهوم سازی و تبیین قرار می گرفت (کسبیر و داینر^۲، ۲۰۰۸). در تاریخ علم روانشناسی، نیز هیجان لذت، بیش از سایر هیجانات مثبت، مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفت. مفهوم لذت، به طور ضمنی در مکاتب و رویکردهای اولیه ی روانشناسی، آشکار بود. مثلاً در قانون اثر^۳ ثرندایک^۴ بر ارائه ی یک مؤلفه ی لذت بخش و خوشایند، تأکید می شد؛ در رویکرد وونت^۵، تجربه ی لذت، به نوعی در یکی از مؤلفه های سه گانه ی اصلی تجربه ی هشیار، مطرح می شد؛ در نوشته های ویلیام جیمز^۶ نیز مطالبی در مورد لذت، دیده می شد که این هیجان را به ساز و کارهای بدنی مرتبط می دانست. جدی ترین و بارزترین تأکید بر هیجان لذت در مکاتب اولیه نیز مربوط به نظریه ی فروید در مورد مفهوم

-
1. Vitterse
 2. Kesebir & Diener
 3. Law of effect
 4. Thorndike
 5. Wundt
 6. William James

اصل لذت^۱، بود که به موجب آن، این هیجان را به عنوان یکی از مهمترین عوامل انگیزشی رفتار انسان مطرح می کرد. البته در رویکرد فروید، لذت به عنوان یک هیجان مثبت مطرح نمی شد بلکه بیشتر به عنوان یک میل و هیجان مرتبط با حالات آسیب شناسی در نظر گرفته می شد که لازم بود تحت کنترل قرار بگیرد (ویترس، ۲۰۰۹). با این حال، تا اواخر قرن بیستم، به دلیل تمرکز بیش از حدی که بر حیطه های آسیب شناسی روانی و هیجانات منفی بوجود آمده بود، موضوع هیجانات مثبت از جمله لذت، به طور جدی مورد هدف پژوهش های علمی روانشناختی قرار نداشت (کار^۲، ۲۰۱۳). تا اینکه در دهه های پایانی قرن بیستم با تأکید برخی نظریه پردازان بر لزوم پرداختن به حیطه های سلامت روان و هیجانات مثبت، و بویژه با شکل گیری جنبش روانشناسی مثبت در سال های پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، موج جدید و رو به رشدی از پژوهش ها در حیطه ی هیجانات مثبتی از جمله شادی و لذت، پدید آمد (سلیگمن^۳، ۲۰۰۲؛ شولتز و شولتز، ۱۳۹۱).

لذت^۴، یکی از مهمترین هیجانات مثبت انسان محسوب می شود که به تجربه ی مجموعه ای از حالات هیجانی و جسمانی خوشایند، اشاره دارد (جانسون^۵، ۲۰۰۹). لذت، ممکن است به صورت حالات هیجانی و فیزیولوژیک شدید، تند و توأم با برانگیختگی بالا بروز یابد که در این صورت معمولاً با اصطلاحاتی همچون سرخوشی^۶ یا خلسه^۷ نامیده می شود و همچنین ممکن است به صورت آرامش توأم با احساس خوشایندی و دلپذیری، بروز یابد که در این صورت، معمولاً با نام هایی همچون خشنودی^۸ و وقار^۹ نامیده می شود. در واقع اینها همگی ابعاد مختلف هیجان لذت

1. Pleasure principle

2. Carr

3. Seligman

4. Pleasure

5. Johnson

6. Joy

7. ecstasy

8. contentment

9. serenity

هستند (پترسون^۱، ۲۰۰۶). مفهوم لذت، به طور کلی به دو دسته ی لذت های بدنی^۲ و لذت های برتر^۳ قابل تقسیم است. لذت های بدنی از طریق حواس و حالات فیزیولوژیک حاصل می شوند. به عنوان مثال لذت حاصل از فعالیت جنسی، بوییدن رایحه ای خوشایند و یا چشیدن غذایی خوش طعم، از جمله ی لذت های بدنی، محسوب می شوند. بر خلاف لذت های بدنی، لذت های برتر، از فعالیت های پیچیده تری حاصل می شوند و شامل احساساتی همچون سعادت، سرور، آسایش، خلسه و گرمی می باشند (سلیگمن، ۲۰۰۲).

هیجان لذت، هم در مفهوم سازی حالات مربوط به آسیب شناسی روانی و هم در مباحث سلامت روان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در حیطه ی آسیب شناسی روانی و جمعیت های دارای اختلالات روانشناختی، هیجان لذت، جزئی اساسی در مفهوم سازی های مربوط به بعضی از اختلالات، بویژه اختلالات خلقی محسوب می شود که در تشخیص و درمان این اختلالات، باید حتماً مورد توجه متخصصین بالینی قرار بگیرد (انجمن روانپزشکی آمریکا^۴، ۲۰۱۳). همچنین در مطالعات سلامت روان که بر جمعیت بهنجار، متمرکز هستند نیز این موضوع مورد توافق است که تجربه ی پایدار و بادوام هیجان مثبت از جمله لذت، از مولفه های اساسی سلامت روان، به شمار می آیند (مک دونالد^۵، ۲۰۰۶). بنابراین دسترسی به ابزارهای معتبر، جهت سنجش هیجان لذت، برای پژوهش و مداخله در هردو زمینه ی اختلالات روانی در جمعیت های بالینی و سلامت روان در جمعیت های بهنجار، بسیار ضروری و حائز اهمیت است.

تاکنون ابزارهای مختلفی برای سنجش تجارب لذت بخش، ساخته شده است که از آن میان می توان به مقیاس های طراحی شده توسط راسل و آرگایل اشاره کرد (آرگایل^۶،

1. Peterson

2. Bodily pleasures

3. Higher pleasure

4. American Psychiatric Association

5. MacDonald

6. Argyle

۲۰۱۳). یکی از مناسب ترین ابزارهایی که تاکنون در این زمینه ارائه شده است، مقیاس لذت اسنیت-هملیتون^۱ است که در سال ۱۹۹۵ توسط اسنیت^۲ و همکاران معرفی شد. از جمله ویژگی های منحصر به فرد این مقیاس نسبت به ابزارهای مشابه ماقبل خود، این بود که در سنجش توانایی کسب لذت، تأثیر مولفه های جنسیتی، فرهنگی و سنی را به حداقل ممکن می رساند و در هر دو حیطه ی بالینی و پژوهشی قابلیت کاربرد داشت (اسنیت و همکاران، ۱۹۹۵).

ویژگی های روانسنجی مقیاس لذت اسنیت-هملیتون تاکنون در فرهنگ های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده است که از آن جمله می توان به پژوهش های لواس و همکاران^۳ (۱۹۹۷) در فرانسه، فرانز و همکاران^۴ (۱۹۹۸) در آلمان، فرانکن، راسین و موریس^۵ (۲۰۰۷) در هلند، و ناکونزنی، کارمودی، موریس، کوریان و تریودی^۶ (۲۰۱۰) در آمریکا اشاره کرد. همچنین کاویانی و همکاران (به نقل از کاویانی، موسوی و محیط، ۱۳۸۰) به طور مقدماتی به بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه پرداخته اند که براساس جستجوی پژوهشگر پژوهش حاضر، گزارش رسمی آن در قالب مقالات چاپ شده ی داخلی، ارائه نشده است. البته در پژوهش کاویانی، کامیار و میرسپاسی (۱۳۷۹) روایی همزمان این پرسشنامه با نمونه ای محدود از آزمودنی های دارای اختلال افسردگی، به طور ضمنی مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده است، اما براساس جستجوی پژوهشگر این پژوهش، اطلاعات مربوط به روایی و پایایی این پرسشنامه با حجم نمونه ی مناسب، در میان جمعیت غیربالینی و نیز در پژوهشی مستقل، تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی پایایی و روایی مقیاس لذت اسنیت-هملیتون در دانشجویان می باشد. همچنین در این پژوهش،

1. Snaith-Hamilton Pleasure Scale

2. Snaith

3. Loas et al

4. Franz et al

5. Franken, Rassin & Muris

6. Nakonezny, Carmody, Morris, Kurian & Trivedi

ارتباط برخی از متغیرهای دموگرافیک با متغیرهای مربوط به ابزارهای مورد سنجش در پژوهش حاضر، مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

جامعه ی آماری و روش نمونه گیری

در این پژوهش، جامعه ی آماری، عبارت بود از کلیه ی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان. جهت نمونه گیری از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده شد. بدین ترتیب که از بین دانشکده های دانشگاه اصفهان، سه دانشکده به تصادف، انتخاب و از بین رشته های تحصیلی مقطع کارشناسی هریک از این دانشکده ها دو رشته به تصادف، انتخاب گردید. سپس از میان دانشجویان رشته های انتخاب شده، تعداد ۲۹۴ نفر به تصادف، انتخاب شدند.

ابزار

الف: مقیاس لذت اسنیت- همیلتون (SHAPS). مقیاس لذت اسنیت- همیلتون دارای ۱۴ عبارت است که ظرفیت و توانایی کسب لذت را می سنجد. پاسخگو با خواندن هر عبارت، در یک طیف چهارگزینه ای، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر عبارت، نشان می دهد (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۰). مولفان، دو نوع نمره گذاری لیکرت و دو نمره ای را پیشنهاد کرده اند. در نمره گذاری لیکرت، نمرات، بین ۰ تا ۴۲ و در روش دو نمره ای، بین ۰ تا ۱۴ می تواند نوسان داشته باشد. در این مقیاس، نمره ی پایین تر، نشانگر توانایی بالاتر در کسب لذت است (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۰). در پژوهش کاویانی و همکاران (۱۳۷۹) در جمعیت بیماران افسرده، ضریب همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه ی افسردگی بک، ۰/۸۰ و با پرسشنامه ی ناامیدی بک ۰/۷۳ محاسبه شد.

ب: پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد (OHQ). پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد^۱، در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل، مارتین و کراسلند^۲ با معکوس کردن مواد مقیاس افسردگی بک، ساخته شد و در سال ۲۰۰۲ آرگایل و هلیز^۳، این پرسشنامه را مورد بازنگری قرار دادند. این مقیاس، دارای ۲۹ ماده است که بر اساس طیف چهار درجه ای از ۰ تا ۳ نمره گذاری می شود. حداقل نمره ی هر آزمودنی ۰ و حداکثر آن ۸۷ می باشد (علی پور و نوری، ۱۳۸۵؛ کاشدان^۴، ۲۰۰۴). در هنجاریابی عابدی، میرشاه جعفری و لیاقتدار (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و ضریب بازآزمایی ۰/۷۲ برای این پرسشنامه محاسبه شد. همچنین در پژوهش مذکور، روایی همزمان این پرسشنامه از طریق همبستگی با پرسشنامه ی شادکامی فوردایس، محاسبه شد که میزان آن ۰/۷۳ بود. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه به دو روش آلفا و دو نیمه سازی محاسبه شد که مقادیر آن به ترتیب عبارت بود از ۰/۹۴ و ۰/۸۵.

ج: پرسشنامه ی افسردگی بک (BDI). پرسشنامه ی افسردگی بک^۵، شامل ۲۱ گروه جمله است که هر گروه شامل ۴ گزینه می باشد. نمره ی جملات، بین ۰ تا ۳ متغیر است و مجموع امتیازها می تواند بین ۰ تا ۶۳ متغیر باشد (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۰). نمره ی آزمودنی در این پرسشنامه، نشانگر سطوح شدت نشانه های افسردگی، در طول یک هفته ی گذشته است (لاویبوند و لاویبوند^۶، ۱۹۹۵). رجبی، عطاری و حقیقی (۱۳۸۰) آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و ضریب پایایی دو نیمه سازی ۰/۸۳ را برای این پرسشنامه، به دست آوردند. کاویانی، صیفوریان، شریفی و ابراهیم خانی (۱۳۸۸) به ضریب پایایی آزمون باز آزمون ۰/۷۷ برای پرسشنامه ی افسردگی بک، دست یافتند. همچنین در پژوهش مذکور، روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه

1. Oxford Happiness Questionnaire

2. Argyle, Martin & Crossland

3. Hills

4. Kashdan

5. Beck Depression Inventory

6. Lovibond & Lovibond

مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و روایی همزمان آن از طریق همبستگی معنادار با ارزیابی کمی به دست آمده از مصاحبه ی بالینی، تأیید شد. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه، به دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه سازی محاسبه شد که مقادیر آن به ترتیب عبارت بود از ۰/۸۹ و ۰/۸۳.

روش تحلیل داده ها

داده های پژوهش حاضر، با استفاده از نسخه های ۲۱ نرم افزارهای SPSS و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی ارتباط متغیرهای دموگرافیک شامل جنسیت و وضعیت تأهل، با متغیرهای پژوهش، از همبستگی دورشته ای نقطه ای استفاده شد. برای بررسی پایایی مقیاس لذت اسنیت- همیلتون از روش های آلفای کرونباخ و دو نیمه سازی استفاده شد. همچنین روایی این مقیاس در دو شاخص روایی همزمان، از طریق محاسبه ی ضریب همبستگی پیرسون با پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد و روایی واگرا از طریق محاسبه ی ضریب همبستگی پیرسون با پرسشنامه ی افسردگی بک، محاسبه شد. روایی عاملی این ابزار نیز با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و براساس مدل سازی معادلات ساختاری، انجام شد.

یافته ها

میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها در سه متغیر لذت، شادی و افسردگی، به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل

انحراف استاندارد			میانگین			شاخص آزمودنی
افسردگی	شادی	لذت	افسردگی	شادی	لذت	
۹/۴۲	۱۵/۴۴	۵/۰۰	۱۳/۴۸	۳۹/۹۵	۹/۴۱	مجرد
						زن

۱۰/۳۱	۱۶/۰۱	۴/۶۹	۱۱/۵۸	۴۳/۶۹	۹/۸۲	متاهل	
۹/۶۱	۱۵/۵۹	۴/۹۳	۱۳/۰۹	۴۰/۷۱	۹/۴۹	کل	
۹/۴۷	۱۵/۱۲	۴/۷۳	۱۱/۷۲	۴۱/۷۰	۱۱/۶۴	مجرد	مرد
۱۲/۶۹	۱۰/۷۹	۶/۸۱	۱۰/۲۸	۴۷/۸۵	۱۱/۱۴	متاهل	
۹/۶۷	۱۴/۸۹	۴/۸۷	۱۱/۶۱	۴۲/۱۴	۱۱/۶۰	کل	
۹/۴۶	۱۵/۳۱	۵/۰۱	۱۲/۸۳	۴۰/۶۰	۱۰/۲۴	مجرد	زن
۱۰/۵۵	۱۵/۳۰	۵/۰۰	۱۱/۳۹	۴۴/۳۲	۱۰/۰۲	متاهل	
۹/۶۴	۱۵/۳۴	۵/۰۰	۱۲/۶۰	۴۱/۱۹	۱۰/۲۰	کل	

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، در هر سه متغیر لذت، شادی و افسردگی، بین نمرات دو جنس، تفاوت های بسیار جزئی دیده می شود. بر این اساس، با توجه به نحوه ی نمره گذاری ابزارهای پژوهش، سطح لذت زنان تاحدی بالاتر از مردان می باشد ولی سطح شادی مردان، اندکی بالاتر و سطح افسردگی آن ها تاحدی پایین تر از زنان می باشد. در میان آزمودنی های زن، بین نمرات لذت زنان مجرد و متاهل، تفاوت بارزی ملاحظه نمی شود، اما سطح شادی زنان متاهل، بالاتر و سطح افسردگی آن ها پایین تر از زنان مجرد می باشد. در میان آزمودنی های مرد، بین نمرات لذت مردان مجرد و متاهل، تفاوت بارزی دیده نمی شود، اما سطح شادی مردان متاهل بالاتر و میزان افسردگی آن ها به میزان اندکی پایین تر از مردان مجرد است. همچنین صرف نظر از جنسیت، بین نمرات لذت افراد مجرد و متاهل، تفاوت بارزی دیده نمی شود، اما نمرات شادی افراد متاهل، بالاتر و نمرات افسردگی آن ها اندکی پایین تر از نمرات افراد مجرد است. البته صرف تفاوت های مشاهده شده در یافته های توصیفی، لزوماً نشانگر وجود ارتباط معنادار بین متغیرهای جنسیت و تأهل با نمرات آزمودنی ها نیست. بنابراین به منظور بررسی رابطه ی بین جنسیت و وضعیت تأهل با متغیرهای

لذت، شادی و افسردگی، از همبستگی دو رشته ای - نقطه ای استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی دو رشته ای نقطه ای بین متغیرهای جنسیت و تأهل با لذت،

شادی و افسردگی

افسردگی	شادی	لذت	متغیرهای پژوهش	
			متغیرهای جمعیت شناختی	
۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۱۸	همبستگی	جنسیت
۰/۲۵	۰/۵۱	۰/۰۰	معناداری	
۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۰۱	همبستگی	وضعیت تأهل
۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۸۰	معناداری	

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، تنها رابطه ی معنادار بین متغیرهای دموگرافیک مورد بررسی و متغیرهای پژوهش، رابطه ی بین جنسیت و لذت است. براین اساس، تفاوت مشاهده شده بین نمرات لذت مردان و زنان که نشانگر سطح بهتر لذت، در زنان بود، معنادار تلقی شده و تأیید می گردد. مطالعات فرسنگی

نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همسانی درونی آیتم های چهارده گانه ی مقیاس لذت اسنیت- همیلتون به همراه ضرایب آلفا و دو نیمه سازی برای کل مقیاس، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین، انحراف استاندارد و همسانی درونی آیتم های مقیاس لذت اسنیت- همیلتون و ضرایب آلفا و دو نیمه سازی کل مقیاس

انحراف	میانگین	شاخص استاندارد	همبستگی با نمره ی کل
		آیتم ها	
۰/۸۰	۰/۹۹	۱. از برنامه های تلویزیونی و رادیویی دلخواهم، لذت می برم.	*۰/۳۳
۰/۶۱	۰/۵۲	۲. از بودن با خانواده و دوستان نزدیکم لذت می برم.	*۰/۵۵
۰/۷۲	۰/۸۵	۳. از سرگرمی ها و اوقات فراغتم لذت می برم.	*۰/۵۲
۰/۶۸	۰/۶۲	۴. قادر هستم از غذای دلخواهم لذت ببرم.	*۰/۵۸
۰/۶۴	۰/۶۷	۵. از یک حمام گرم یا دوش گرفتن لذت می برم.	*۰/۵۰
۰/۷۶	۰/۵۹	۶. از بوی خوش گلها یا بوی نسیم تازه ی دریا یا نان داغ تازه لذت می برم.	*۰/۴۳
۰/۷۱	۰/۸۳	۷. از دیدن چهره ی خندان مردم لذت می برم.	*۰/۶۱
۰/۶۷	۰/۴۶	۸. وقتی به سر و وضع ظاهرم رسیده ام از این که خوش پوش به نظر می آیم لذت می برم.	*۰/۴۸
۰/۶۶	۱/۰۴	۹. از خواندن یک کتاب، مجله یا روزنامه لذت می برم.	*۰/۵۰
۰/۷۳	۰/۷۱	۱۰. از یک استکان چای یا قهوه و یا نوشیدنی مورد علاقه ام لذت می برم.	*۰/۴۷

۰/۶۵	۰/۷۹	۱۱- از چیزهای جزئی مثل یک روز بهاری درخشان یا از تلفن کردن به یک دوست لذت می برم. *۰/۵۰
۰/۵۹	۰/۵۹	۱۲. می توانم از یک منظره یا چشم انداز زیبا لذت ببرم. *۰/۴۷
۰/۶۲	۰/۶۴	۱۳. از کمک کردن به دیگران لذت می برم. *۰/۵۵
۰/۶۶	۰/۹۵	۱۴. زمانیکه از دیگران تعریف و تمجید می شنوم، لذت می برم. *۰/۴۰
		آلفای کرونباخ = ۰/۷۶
		ضریب پایایی دو نیمه سازی = ۰/۷۵

*P= ۰/۰۰

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می شود، همبستگی تمام ۱۴ آیتم مقیاس لذت اسنیت- همیلتون، با نمره ی کل این مقیاس، معنادار است. بیشترین میزان همبستگی، مربوط می شود به آیتم ۷ و کمترین میزان همبستگی مربوط به آیتم ۱ است. بالاترین میانگین کسب نمره مربوط می شود به آیتم ۹ که با توجه به نحوه ی نمره گذاری مقیاس، می توان نتیجه گرفت که آزمودنی ها کمترین میزان کسب لذت را در رابطه با موضوع مورد سنجش در این آیتم تجربه می کنند. همچنین پایین ترین میانگین کسب نمره، به آیتم ۸ مربوط می شود که نشان می دهد آزمودنی ها بیشترین میزان کسب لذت را در ارتباط با موضوع مورد سنجش در این آیتم تجربه می کنند. در مورد پایایی کل مقیاس، با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ و دو نیمه سازی می توان گفت که این مقیاس از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

برای بررسی روایی همزمان و روایی واگرای مقیاس لذت اسنیت- همیلتون، همبستگی نمرات این پرسشنامه به ترتیب با نمرات پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد و پرسشنامه ی افسردگی بک، محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. همبستگی نمرات مقیاس اسنیت-همیلتون با نمرات پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد و

پرسشنامه ی افسردگی بک^۱

مقیاس ها	شادکامی آکسفورد	افسردگی
اسنیت- همیلتون	*-۰/۲۴	*۰/۲۱

*P= ۰/۰۰

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می شود، با در نظر گرفتن نحوه ی نمره گذاری مقیاس ها بین نمرات لذت و شادی، همبستگی مستقیم معناداری وجود دارد که نشانگر تأیید روایی همزمان همگرایی مقیاس اسنیت- همیلتون می باشد. همچنین بین نمرات لذت و افسردگی، همبستگی معکوس معنادار وجود دارد که نشانگر تأیید روایی همزمان واگرایی مقیاس اسنیت- همیلتون می باشد.

اسنیت و همکاران (۱۹۹۵)، چهار عامل را برای این پرسشنامه در نظر گرفتند که عبارت بود از: علائق و سرگرمی (آیتم های ۱، ۳ و ۹)، تعامل اجتماعی (آیتم های ۲-۷-۸-۱۳-۱۴)، تجربه ی حسی (آیتم های ۵-۶-۱۱-۱۲) و خوراک و نوشیدنی (آیتم های ۴ و ۱۰). بنابراین در این پژوهش، روایی عاملی این ابزار به شیوه ی تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از مدل سازی ساختاری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۵، ارائه شده است.

جدول ۵. وضعیت شاخص های برازش برای مدل عاملی تأییدی پرسشنامه ی اسنیت- همیلتون

شاخص های برازش	مقدار آماره پژوهش	سطح قابل قبول	وضعیت مدل
CMIN NFI TLI	*۰/۴۰	مقدار کای اسکوئر جدول	
	برازش		

^۱ لازم به ذکر است که علامت منفی در این جدول، بدلیل نحوه ی متفاوت نمره گذاری در مقیاس های مربوطه می باشد که در قسمت معرفی ابزارها توضیح داده شد و به معنای همبستگی معکوس بین متغیرهای پژوهش نیست.

۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۹۹	CFI RMSEA
	برازش	
۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۱	
	برازش	
۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۱	برازش
برازش	کمتر از ۰/۰۵	

* P = ۰/۰۲

همانطور که در جدول ۵ ملاحظه می شود، معناداری آماره ی خی دو، مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص نرم شده ی برازندگی (NFI)، شاخص تاکر- لویز (TLI) و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای شاخص ریشه ی میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، نشانگر برازش مطلوب مدل عاملی تأییدی پرسشنامه ی اسنیت- همیلتون است (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸). بنابراین روایی عاملی این پرسشنامه نیز بر اساس همان عوامل ارائه شده از جانب مؤلفان آن، تأیید می شود.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی پایایی و روایی مقیاس اسنیت- همیلتون در جمعیت دانشجویان بود. نتایج این پژوهش، حاکی از تأیید پایایی و روایی این مقیاس در چند شاخص مختلف پایایی و روایی بود. این نتایج با نتایج پژوهش کاویانی و همکاران (۱۳۷۹) همسو است که به همبستگی معنادار بین نمرات مقیاس اسنیت- همیلتون و نمرات پرسشنامه ی افسردگی بک، در میان بیماران افسرده دست یافته بودند. منتها در پژوهش مذکور، میزان ضریب همبستگی بین این دو مقیاس بسیار بالاتر از ضرایب به دست آمده در این پژوهش بود. البته در پژوهش کاویانی (۱۳۷۹) ضریب پایایی و نیز محاسبات مربوط به روایی همزمان برای این مقیاس، گزارش نشده بود.

یافته های پژوهش حاضر همچنین با پژوهش ناکونزی و همکاران (۲۰۱۰)، از جهات مختلفی، همسویی دارد. در پژوهش مذکور، میزان همبستگی مقیاس اسنیت-همیلتون با چندمقیاس ویژه ی سنجش نشانگان افسردگی، بین ۰/۴۹ تا ۰/۵۶ محاسبه شد که روایی واگرایی این مقیاس را تأیید می کرد و همچنین میزان همبستگی این مقیاس با مقیاس همسویی که مختص سنجش لذت بود، ۰/۶۵ محاسبه شده بود که روایی همگرایی این مقیاس را تأیید می نمود. بنابراین ملاحظه می شود که در پژوهش ناکونزی و همکاران (۲۰۱۰) نیز میزان ضرایب مربوط به روایی همزمان همگرا و واگرا نسبت به این پژوهش، در حد بالاتری قرار دارد. این موضوع ممکن است ناشی از حجم نسبتاً پایین نمونه ی این پژوهش نسبت به پژوهش مذکور باشد. همچنین در پژوهش ناکونزی و همکاران (۲۰۱۰)، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای این مقیاس به دست آمده بود که نشانگر همسانی درونی بالا و پایایی قابل قبول این ابزار بود. متها در پژوهش مذکور، آیتم ۱۱ بیشترین میزان همبستگی و آیتم ۵ کمترین میزان همبستگی را با نمره ی کل داشت ولی در پژوهش حاضر، آیتم ۷ دارای بیشترین میزان همبستگی و آیتم ۱ دارای کمترین میزان همبستگی با نمره ی کل مقیاس بود. یکی از وجوه شباهت جالب توجه بین نتایج این پژوهش با پژوهش ناکونزی و همکاران (۲۰۱۰) در این بود که در هر دو پژوهش، آیتم ۹ دارای بیشترین میانگین نمره ی اکتسابی بود که این موضوع نشان می دهد احتمالاً از میان موضوعات مختلف مرتبط با لذت که در این پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته است، عموم افراد، کمترین میزان لذت را از فعالیت هایی همچون مطالعه، کسب می کنند. با اینحال بین دو پژوهش، در پایین ترین میانگین نمره ی اکتسابی، تفاوت وجود دارد، به طوری که در پژوهش ناکونزی و همکاران (۲۰۱۰) آیتم های ۵، ۱۰ و ۱۳ مشترکاً (با میانگین مساوی تا سه رقم اعشار) دارای کمترین نمره ی اکتسابی بودند ولی در پژوهش حاضر، آیتم ۸ دارای کمترین میانگین نمره ی اکتسابی بود. این یافته نشان می دهد که در میان جمعیت مورد بررسی در این پژوهش، خوش پوشی و جذاب جلوه کردن در نظر دیگران، از مهمترین منابع کسب لذت در درجات بالا محسوب

می شود، در حالیکه در نمونه ی آمریکایی، فعالیت هایی همچون دوش گرفتن، نوشیدن چای یا قهوه و کمک به دیگران از مهمترین منابع کسب لذت در درجات بالا محسوب می شده است. و سرانجام این نکته قابل ذکر است که چهار عامل معرفی شده توسط اسنیت و همکاران (۱۹۹۵)، در این پژوهش نیز بدون هیچ تغییری، تأیید گردید.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط متغیرهای دموگرافیک با متغیرهای لذت، شادی و افسردگی نبود ولی همانطور که در قسمت یافته ها نشان داده شد، نتایج این پژوهش، حاکی از ارتباط معنادار جنسیت با سطح لذت جمعیت مورد بررسی در این پژوهش می باشد. بر این اساس، سطح لذت زنان، به طور معناداری بالاتر از مردان است. این یافته با نتایج به دست آمده توسط اسنیت و همکاران (۱۹۹۵) و ناکونزنی و همکاران (۲۰۱۰) همسو نمی باشد، زیرا در پژوهش های مذکور، روابط جنسیت و سایر متغیرهای دموگرافیک با نتایج مقیاس لذت اسنیت- همیلتون، معنادار به دست نیامده است. البته ویژگی منحصر به فرد و جدید پژوهش حاضر نسبت به بسیاری از پژوهش های پیشین در این است که این پژوهش به طور اختصاصی به بررسی مولفه های روانسنجی این مقیاس در جمعیت دانشجویان بهنجار پرداخته است. بنابراین این یافته می تواند زمینه ی مناسبی را برای بررسی های بیشتر در جهت تبیین نقش جنسیت در هیجان لذت در جمعیت دانشجویان، فراهم آورد. مطمئناً با توجه به محدودیت پیشینه ی پژوهشی در این زمینه، اظهار نظر قطعی در مورد این موضوع، نیازمند انجام پژوهش های بیشتری می باشد.

یکی از مهمترین محدودیت های این پژوهش، روش نمونه گیری آن بود. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر نقش متغیرهای دموگرافیک نیز مورد بررسی قرار گرفته بود، بهتر بود که از روش های نمونه گیری نسبتی برای کنترل نسبت های جنسیت و تأهل در جمعیت مورد بررسی، استفاده می شد. همچنین بهتر بود علاوه بر جمعیت بهنجار، بخشی از جمعیت بالینی، مخصوصاً بیماران افسرده نیز در نمونه ی این پژوهش، قرار می گرفتند تا امکان بررسی روایی تشخیصی و ارائه ی نقطه ی برش برای این مقیاس،

فراهم آید. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی، ویژگی های روانسنجی این پرسشنامه با جمعیت بیشتر و نیز (با همکاری مراکز مشاوره ی دانشگاه ها) با پوشش دادن به هر دو جمعیت بالینی و بهنجار در جامعه ی دانشجویان، انجام گیرد.

منابع

- رجبی، غلامرضا؛ عطاری، یوسفعلی و حقیقی، جمال. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤالهای پرسشنامه بک (BDI-21) بر روی دانشجویان پسر دانشگاه شهیدچمران اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۸ (۳و۴)، ۴۹-۶۶.
- شولتز، دوآن و شولتز، سیدنی ال. (۱۳۹۱). *نظریه های شخصیت*. ترجمه ی یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
- شوماخر، رندال. ای و لومکس، ریچارد. جی. (۱۳۸۸). *مقدمه ای بر مدل سازی معادله ساختاری*. ترجمه ی وحید قاسمی. تهران: جامعه شناسان.
- عابدی، محمدرضا؛ میر شاه جعفری، سیدابراهیم و لیاقتدار، محمدجواد. (۱۳۸۵). *هنجار یابی پرسش نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه های اصفهان، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۲ (۲)، ۹۵-۱۰۰.
- علی پور، احمد و نوری، ناهید. (۱۳۸۵). *بررسی پایایی و روایی مقیاس افسردگی - شادکامی در کارکنان دادگستری شهر اصفهان. فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۸ (۳۱و۳۲)، ۹۶-۸۷.
- کاویانی، حسین؛ صیفوریان، حسین؛ شریفی، ونداد و ابراهیم خانی، نرگس. (۱۳۸۷). *پایایی و روایی مقیاس بیمارستانی اضطراب و افسردگی (HADS): بیماران افسرده و اضطرابی ایران. مجله ی دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران*، ۶۷ (۵)، ۳۷۹-۳۸۵.
- کاویانی، حسین؛ کامیار، کامران و میرسپاسی، غلامرضا. (۱۳۷۹). *واکنش پذیری هیجانی در بیماران افسرده ناخوشکام (کاربرد محرک های بویایی برای القای هیجان)*. *تازه های علوم شناختی*، ۲ (۳و۴)، ۱-۷.
- کاویانی، حسین؛ موسوی، اشرف سادات و محیط، احمد. (۱۳۸۰). *مصاحبه و آزمون های روانی*. تهران، انتشارات سنا.

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders 5th ed.* Washington, DC: American Psychiatric Publishing.

Argyle, M. (2013). *The psychology of happiness*. New York: Routledge.

Carr, A. (2013). *Positive Psychology*. New York: Routledge.

- Franken, I., Rassin, E., & Muris, P. (2007). The assessment of anhedonia in clinical and non-clinical populations: further validation of the Snaith-Hamilton Pleasure Scale (SHAPS). *Journal of Affective Disorders*, 99, 83-89.
- Franz, M., Lemke, M.R., Meyer, T., Ulferts, J., Puhl, P., & Snaith, R.P. (1998). German version of the Snaith-Hamilton-Pleasure Scale (SHAPS-D). Anhedonia in schizophrenic and depressive patients. *Fortschritte Neurologie Psychiatrie*, 66, 407-413.
- Johnson, D. (2009). Pleasure. In S.J. Lopez (ed), *The encyclopedia of positive psychology*. Chichester: Wiley-Blackwell.
- Kashdan, T.B. (2004). The assessment of subjective well-being (issues raised by the Oxford Happiness Questionnaire). *Personality and Individual Differences*, 36, 1225-1232.
- Kesebir, P., & Diener, E. (2008). In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions. *Perspectives on Psychological Science*, 3(2), 117-125.
- Loas, G., Dubal, S., Perot, P., Tirel, F., Nowaczkowski, P., & Pierson, A. (1997). Validation of the French version of the Snaith-Hamilton Pleasure Scale (SHAPS, Snaith et al. 1995): Determination of the statistical parameters in 208 normal subjects and 103 hospitalized patients presenting with depression or schizophrenia. *Encephale*, 23, 454-458.
- Lovibond, P.F., & Lonibond, S.H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behavioral Research and Therapy*, 33(3), 335-343.
- MacDonald, G. (2006). What is mental health? In M. Cattan & S. Tilford (eds), *Mental health promotion: A life span approach*. New York: Open University Press.
- Nakonezny, P.A., Carmody, T.J., Morris, D.W., Kurian, B.T., & Trivedi, M.H. (2010). Psychometric evaluation of the Snaith-Hamilton Pleasure Scale (SHAPS) in adult outpatients with major depressive disorder. *International Clinical Psychopharmacology*, 25(6), 328-333.
- Peterson, C. (2006). *A primer in positive psychology*. New York: Oxford University Press.
- Seligman, M.E.P. (2002). *Authentic happiness*. New York: The Free Press.
- Snaith, R.P., Hamilton, M., Morley, S., Humayan, A., Hargreaves, D., & Trigwell, P. (1995). A scale for the assessment of hedonic tone the Snaith-Hamilton Pleasure Scale. *British Journal of Psychiatry*, 167, 99-103.
- Vitterse, J. (2009). Hedonics. In S.J. Lopez (ed), *The encyclopedia of positive psychology*. Chichester: Wiley-Blackwell.
- Watson, D. (2002). Positive affectivity. In C.R. Snyder & S.J Lopez (eds), *Handbook of positive psychology*. New York: Oxford University Press.